



۴۵



۵ روایتی شیرین از مشرف شدن دوزائر بوشهری
به شهید الرضا(ع) به همت چند خیر مشهدی

دیدار بعد از ۳۷ سال انتظار

«سلام» ویژه «زوارت» ضمیمه روزنامه قدس

■ چهارشنبه ۷ مهر ۱۳۹۵ ■ ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ ■
■ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۶ ■ شماره ۴۵ ■

۶ تار و پود سنت در آیین مذهبی امامزاده مشهد اردهال کاشان

قیام قالیشویان



۵ فرزند شهید در گفت و گو با «سلام»:

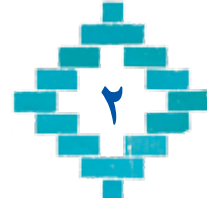
شهادت، پاداش مجاهدت شهیدهاشمی نژاد بود



۳ عضو مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با «سلام»:

امر به معروف را از خانواده شروع کنیم



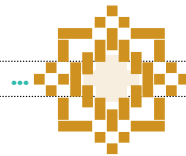


صداها به جانب تو بلند است

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَاللَّهُ وَ سُبُلِ الرَّاعِينَ إِلَيْكَ شَارِعَهُ وَأَعْلَامُ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَنْوَابُ آهَائِهِمْ لَهُمْ مَفْتَحَةٌ وَدَعْوُهُ مِنْ نَاجَاكٍ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةُ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَذْرُهُ مِنْ بَئِي مَنْ خُوفِكَ مَرْحُومَةٌ وَأَعَانَتُهُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُؤَيَّدَةٌ وَأَعَانَتُهُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ وَزَلْزَلٌ مِنَ اسْتِقْلَاقِكَ مَقَالَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ.

خدایا دل‌های فروتنان، سرگردان به سوی توست، و راه‌های مشتاقان به درگاهت نمایان است، و نشانه‌های قاصدان کویت پیدا است، و دل‌های عارفان از تو هراسان است، و صدای خوانندگان به جانب تو بلند است، و درهای اجابت به رویشان گشوده، و دعای آنکه با تو مناجات کرد، مستجاب است، و توبه کسی که به سوی تو بازگشت پذیرفته است، و اشک کسی که از ترس تو گریه کرد، مورد رحم است، و فریاد کسی که از تو فریاد خواست، آمده است، و کمک برای کسی که از تو کمک خواست، رایگان است، و وعده‌های برای بندگانت وفا شده، و لغزش آنکه از تو بپوش خواست، نادیده گرفته شده، و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ است.

فرازی از زیارت امین‌الله



یک هدیه دو نفره برای دانشجویانی که ازدواج می‌کنند

همسفر بودن تا بهشت



دوران عقد برای عروس و دامادها خاطرات بسیاری را با خود به همراه دارد که یکی از این خاطرات مسافرت‌های دو نفره‌ای است که زوج‌های جوان، برای نخستین بار تجربه می‌کنند. یکی از سفرهای زیبای دو نفره عروس و دامادها، آمدن زوج‌های جوان دانشجوی به مشهد است. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اکنون ثبت نام بیستمین مراسم جشن ازدواج دانشجویی «همسفر تا بهشت» را شروع کرده است و عموم دانشجویان و استادان دانشگاه در تمامی دانشگاه‌های کشور که تاریخ عقدشان از اول مهر سال ۹۴ تا ۳۰ مهر سال ۹۵ است می‌توانند با مراجعه به سایت <http://ezdevaj.nahad95.ir> در این برنامه ثبت نام کنند. برای ثبت نام در برنامه «همسفر تا بهشت» نیاز نیست که هر دو زوج دانشجوی باشند بلکه اگر یکی از زوجین دانشجو باشد کفایت می‌کند.

سه روز میهمان امام

در بیستمین برنامه «همسفر تا بهشت» زوج‌های دانشجو از ۲۳ دی ماه سال جاری به ترتیب استان‌های محل تحصیل در دوره‌های سه روزه به میزبانی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری به مشهد مقدس می‌آیند و میهمان حضرت رضاع (ع) می‌شوند. در روزهایی که این زوج‌های جوان در شهر بهشت هستند، با همکاری استان قدس رضوی، برنامه‌های معنوی، فرهنگی و کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برایشان تدارک دیده شده است که آن‌ها را در مسیر پر فراز و نشیب زندگی زناشویی راهنمایی می‌کند.

جامانده‌ها بخوانند

جامانده‌های نوزدهمین مراسم ازدواج دانشجویی که تاریخ عقد آن‌ها از اول مهر ماه سال ۹۳ تا اول مهر سال ۹۴ می‌باشد؛ نگران نباشند! در صورتی که یکی از زوجین در حال حاضر دانشجو باشند می‌توانند در این دوره هم ثبت نام کنند و در صورت اختصاص سهمیه از طرف ستاد ازدواج دانشجویی از سفر معنوی مشهد استفاده خواهند کرد. یکی از برنامه‌های جالب فرهنگی طی سال‌های اخیر ارایه بسته‌های آموزشی است که قبل، حین و بعد از سفر

آغاز زندگی مشترک هم با پیمان بستن در محضر امام مهربان، برکت این اتفاق فرخنده را به زندگی خود می‌برند. معاونت تبلیغات اسلامی استان قدس رضوی در این باره می‌گوید: «تا هشت سال قبل زائران و مجاوران مراسم عقد ازدواج را در داخل صحن یا پشت پنجره فولاد انجام می‌دادند، ولی اکنون به خاطر ساماندهی و انسجام بیشتر، این مراسم به رواق شیخ طوسی واقع در بالا سر حضرت و در مجاورت رواق دارالحججه واقع شده است که خانواده‌ها همراه عروس و داماد به این مکان مراجعه می‌کنند تا عاقد مراسم خواندن عقد را انجام دهد.

عروس و دامادهایی که برای عقد بالای سر حضرت را انتخاب می‌کنند بسته فرهنگی «همسفر تا بهشت» را از خادمان حضرت به تبرک و میمنت دریافت می‌کنند. کتابچه‌های «رهنما» مجموعه کتابچه‌هایی است که با موضوعات مختلف در دسترس زائران قرار می‌گیرد. برای نوعروسان نیز از این مجموعه، کتابچه‌های «دوران طلایی عقد»، «چهل چراغی برای سقف مشترک» و... اهدا می‌گردد.

به زوج‌های جوان دانشجو تقدیم می‌شود. بسته شماره یک، قبل از اعزام به مشهد و از طریق سایت ازدواج دانشجویی یا مرکز آموزش مجازی نهاد ارایه می‌شود. بسته شماره دو، در زمان حضور زوج‌ها در مشهد در قالب کارگاه‌های آموزشی و به صورت حضوری تحویل داده می‌شود، همچنین بسته شماره سه بعد از پایان سفر مشهد و از طریق سایت ازدواج دانشجویی یا مرکز آموزش مجازی نهاد ارایه می‌شود. علاوه بر این‌ها به زوج‌های جوانی که از بسته‌های آموزش مجازی استفاده و در آزمون نهایی آن شرکت می‌کنند، به قید قرعه جوایز ارزنده‌ای از قبیل کمک هزینه سفرهای زیارتی، سه روز اقامت رایگان در مشهد مقدس و... اهدا خواهد شد.

عقدی ساده از جنس معنویت

سنت نیکوی عقد بالای سر حضرت از سال‌های قدیم بین مشهدهای رواج داشته است. مجاوران امام رؤوف که با ارادتی وصف‌ناپذیر هر اتفاق زیبای زندگی را با حضور در حرم مطهر رضوی رقم می‌زنند، برای

پادداشت

یک رکعت زیارت

مجید تربت‌زاده



... نرسیده به صحن، سلامم کبوتر می‌شود، پر می‌کشد و همراه می‌شود با جاری بی‌انتهای سلام‌ها. تا چشم می‌گردانم میان ازدحام کبوترهای مشتاق که از سر و روی گنبد و گلدسته‌ها بالا می‌روند، گمش می‌کنم!

من سلام می‌دهم، زمین سلام می‌دهد، آسمان سلام می‌دهد و خورشید که به حضور «گنبد» دل گرم است، دست به سینه می‌ایستد و به سلام ما اقتدا می‌کند. روی موجاموج سلام‌ها به صحن می‌رسد و این بار خود را گم می‌کنم، میان خروش زمزمه‌هایی که دل مردگی‌هایم را می‌شویند.

هوا پر می‌شود از آهنگ استغاثه و عطر استجابت. کنار سقاخانه، هوس چند جرعه شفاعت می‌کنم. لبی از توسل تر می‌کنم و راهم را کج می‌کنم تا زیر ایوان طلا، جانم، تنی به معنویت بزند و آرام بگیرد.

آن وقت ضریح صدایم می‌زند تا از میان رشته‌های مرئی و نامرئی اجابت، راهم را باز کند. از در و دیوار «رضا، رضا» می‌بارد تا آخرین لکه‌های کسالت را از لباس زیارتم بشوید.

وقتی نگاهم از انعکاس ضریح متبرک می‌شود، جای فواره‌های صحن خالی است تا به چشم‌هایم حسودی کنند! السلام علیک یا علی بن موسی الرضا المرتضی (ع) اشک‌های ارادت راهیم نمی‌کنند، آن قدر که دلم، دلی از عزا درمی‌آورد و تا به خودم می‌آیم، دارد با ضریح معاشقه می‌کند. هر چند خودم مانده‌ام لایه لای آنبوه جمعیت.

یک رکعت زیارتنامه را در ازدحام کتف‌ها، بدن‌ها و استغاثه‌ها گره می‌زنم به نماز زیارت و غرق می‌شوم در حس غربی که مرا در آینه کاری‌ها تکثیر می‌کند و دوباره و چند باره به طواف می‌برد... پیش از رفتن، رو برمی‌گردانم، سلام می‌دهم، زمین سلام می‌کند، آسمان سلام می‌کند و خورشید که هنوز گوشه‌ای به ارادت ایستاده است به گنبد لبخند می‌زند...

اطلاعرسانی

■ **قرائت زیارت امین‌الله همه روزه بعد از نمازهای یومیه**
 ■ **مراسم گرامیداشت سی و پنجمین سالگرد شهید هاشمی نژاد**
 سخنران: آیت‌الله علم‌الهدی
 چهارشنبه ۷ مهر ماه - ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد

■ **مرکز مشاوره حرم مطهر رضوی**
 ارائه خدمات رایگان مشاوره فردی در حوزه‌های خانوادگی، تربیتی و بالینی ویژه عموم زائران در مرکز مشاوره حرم مطهر رضوی
 همه روزه بجز ایام تعطیل - ساعت ۸ تا ۱۹

■ **مشاوره گروهی**
 دوره تربیت فرزند - پنجشنبه ۱۷ تا ۱۹ / مدرس: بابایی
 دوره مقابله با وسواس - دوشنبه ۱۷ تا ۱۹ / مدرس: قندهاری‌زاده

دوره تأثیر مهارت‌های ارتباطی - سه‌شنبه ۱۷ تا ۱۹
 مدرس: حجت‌الاسلام هاشم‌زنی

■ **پاسخگویی به سؤالات شرعی**
 ارائه خدمات شبانه روزی پاسخگویی به سؤالات شرعی در دفتر پاسخگویی به سؤالات دینی حرم مطهر رضوی و سامانه تلفنی ۰۵۱-۳۲۰۲۰

■ **فیض حضور**
 ویژه برنامه فرهنگی و تبلیغی ویژه کاروان‌های زیارتی به صورت شبانه روزی
 مکان: رواق دارالهدایه صحن جمهوری اسلامی

اطلاعرسانی

■ **سخنرانی‌ها**
 ویژه برنامه سخنرانی و بیان معارف دینی حرم مطهر رضوی سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین علی بیاتی
 با موضوع: **از غدیر تا مباحثه**
 چهارشنبه تا جمعه - ساعت صبح ۵:۱۰ - ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد

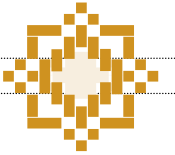
سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین قاسم بابانیا
 با موضوع: **ولایت مداری عامل موفقیت در دفاع مقدس**
 چهارشنبه و پنجشنبه - ساعت ۱۰:۳۰ - رواق امام خمینی (ره)

سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالحمید واعظ‌شهیدی
 با موضوع: شرح و تفسیر سوره انسان
 چهارشنبه تا جمعه - ساعت ۱۷ - رواق امام خمینی (ره)

سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین مسلم داوود نژاد
 با موضوع: **تربیت دینی فرزندان**
 چهارشنبه تا جمعه - ساعت ۱۷:۴۵ - صحن انقلاب اسلامی

سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی
 با موضوع: **بیان سیره و حدیث معصومین (ع)**
 چهارشنبه تا جمعه - ساعت ۱۸:۳۰ - صحن جامع رضوی

■ **قرائت دعا و زیارت**
دعای کمیل / پنجشنبه - ساعت ۱۹:۱۰ / صادق آهنگران
دعای ندبه / جمعه - اول طلوع آفتاب / حجت‌الاسلام مرتضی حمیدی
مناجات خوانی / جمعه - ساعت ۳ بامداد / سعید حدادیان



عضو مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با «سلام»:

امر به معروف را از خانواده شروع کنیم



«گروهی در کشتی چوبی در حال حرکت نشسته بودند. شخصی خواست قسمت جلوی خود را در کشتی سوراخ کند، دیگران به او گفتند که کشتی را سوراخ نکن؛ ممکن است به غرق شدن ما در آب بینجامد. او پاسخ داد من جایی که خودم نشسته‌ام را سوراخ می‌کنم و کاری به شما ندارم. افرادی دیگر که آنجا بودند، گفتند درست است که تو جای خود را در کشتی سوراخ می‌کنی، اما وقتی آب در کشتی بیاید و کشتی بخواهد غرق شود، دیگر من و تو را نمی‌شناسد و همه با هم غرق می‌شویم.»

همچون روزه، حج، نماز و جهاد، جزو ضروریات دین و برگرفته از فرهنگ نورانی و عزت‌بخش اسلام است. روایتی از حضرت رضا(ع) هست که فرمودند: «لثامن بالمعروف ولتنهن عن المنکر او لیستعملن علیکم شرارکم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم» حضرت می‌فرمایند: باید هر یکی از شما امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و گرنه تبهکاران بر شما تسلط می‌یابند، آنگاه اگر خوبان شما دعا کنند، دعایشان مستجاب نخواهد شد؛ اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک شود، این سرنوشت محتوم اتفاق می‌افتد، یعنی با اینکه شاید گروهی از جامعه مرتکب عمل زشتی نشده باشند و حتی از انجام آن عمل راضی نباشند، اما اگر اقدام عملی نکنند همه آن‌ها در سرنوشتی غمبار مشترک هستند. لذا صیانت و نگهداری از امنیت کشتی عظیم جامعه برای رسیدن به ساحل نجات وظیفه‌ای همگانی است.

این مثالی است که آیت الله سیداحمد حسینی خراسانی در رد عده‌ای می‌زند که امر به معروف و نهی از منکر را دخالت در حوزه شخصی دیگران می‌دانند. این عضو مجلس خبرگان رهبری تأکید می‌کند: کسی که در فضای فرهنگی جامعه تنفس می‌کند، نمی‌تواند بگوید من یک چهار دیواری دارم و خودم صاحب اختیار آن هستم و هر کاری را بخواهم انجام می‌دهم، چرا همین چهار دیواری‌هاست که کلیت فضای فرهنگی جامعه را می‌سازد. گفت‌وگو ما را با این عضو برجسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و نماینده مردم خراسان رضوی در مجلس خبرگان رهبری بخوانید.

نقد رفتار فردی آدم‌ها چطور می‌تواند یک وظیفه همگانی باشد؟

جامعه با مجموعه مراکز، سازمان‌ها، نهادها و ارگان و تشکلهای مختلفی که دارد یک واحد کاملاً بهم پیوسته و زنده است و همه افراد یک جامعه با جریان‌های مختلف، دارای سرنوشتی مشترک هستند و این طور نیست که احاد جامعه مستقل و جدا از یکدیگر باشند. در جامعه اسلامی، مسلمانان موظفاند در برابر ناهنجاری‌ها و منکرات اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و... حساس باشند و تکلیف خود را در این زمینه انجام دهند. بر اساس اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، در کنار فریضی

اما متأسفانه خیلی‌ها امر به معروف و نهی از منکر را دخالت در امور شخصی آدم‌ها می‌دانند.

اگر ما این گونه استدلال کنیم که امر به معروف و نهی از منکر دخالت در امور شخصی دیگران است یا اینکه شاید دیگران از دست ما ناراحت شوند، ضریب حساسیت جامعه نسبت به منکر و گناه کاسته می‌شود، آن وقت گناه و منکر در قالب فرهنگ در جامعه نهادینه می‌شود و با رواج منکر و گناه در جامعه، علاوه بر اینکه قبح گناه در آن جامعه شکسته

فاطمه لشکر نویسن

می‌شود دیگران هم مرتکب آن می‌شوند و دیگر عمل زشت خود را گناه نمی‌دانند. در آیات قرآن کریم اشاره شده است «فَوَا أَنْفُسَكُم وَ أَهْلِکُمْ»؛ در واقع معنای این عبارات آن است که مواظب خودتان، فرزندان و خانواده‌تان باشید؛ زیرا برای ترویج ارزش‌ها در جامعه و پایبندی به آن و جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی اولین کانون اجتماعی خانواده است که باید از آنجا شروع کرد. این را هم بگویم که این استدلال که گفتن ما اثری ندارد، پس ما وظیفه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر نداریم، استدلال درستی نیست. درست است که برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب، مراحل و شرایطی بیان شده است که از جمله آن‌ها «احتمال تأثیرگذاری» است اما باید اثربخشی را هم به درستی معنا کرد. در روایات آمده است که یک وقتی، رسول خدا(ص) و یا امیرالمؤمنین(ع) از جایی رد می‌شدند و منکری را می‌دیدند. ایشان سه مرتبه با صدای بلند و رسا می‌گفتند: اتقوا الله... یعنی آنجا صبر نکردند که ببینند آیا اساساً امر به معروف‌شان اثری دارد یا ندارد. حضرت با بیان این جمله توجه همگان و شخصی که آن عمل زشت را انجام می‌داد، جلب می‌کردند که نسبت به منکر بی‌توجه نباشند. لذا اینکه بگوییم گفتن ما اثری ندارد در بسیاری از موارد، عدری غیرموجه است. اگر همه اعضای جامعه نسبت به منکر حساس بشوند، یقین داشته باشید که اثرگذاری خود را خواهد داشت.

منکر، چه مصداقی را شامل می‌شود؟

منکر، چه مصداقی را شامل می‌شود؟ نمی‌شود تعریفی ارائه کرد که همه مصداق‌های منکر را شامل بشود. در عین حال می‌شود گفت اعمال و رفتار سویی که دامنه‌اش گریبانگیر همه جامعه می‌شود، مصداق منکرهای اجتماعی است. فساد مالی، منکر است کم‌کاری منکر است، اذیت و آزار دیگران، منکر است. بد اخلاقی، قطع رحم، قهر، بی‌حجابی، و... هم نمونه‌های دیگری از منکر در جامعه است.

حکمت

گریز از گناه اساس سبک زندگی اهل بیت(ع)

حجت الاسلام والمسلمین حیدری کاشانی
سلسله سخنرانی‌های رواق امام خمینی(ره) حرم رضوی

دعوت به لذت جویی و شهوت رانی فراخوان همگانی شیطان است و گناه‌گریزی و دوری از شیاطین اساس سبک زندگی اهل بیت(ع) است. در دنیای امروز شیاطین به واسطه فضاهای مجازی زمینه آلوده کردن انسان به گناه را فراهم می‌کند. شبکه‌های ماهواره‌ای پایگاه شیطانی است و با روش‌های مختلف و جذاب، خوراک فرهنگی و اعتقادی جوانان و نوجوانان را فراهم می‌کند.

اطاعت از ولایت و امامت سرمایه معنوی انسان مؤمن است، چرا که ائمه اطهار(ع) صراط مستقیم و هدایتگران الهی هستند و هر کس دنباله رو این بزرگواران باشد از منجلا و شبهات عقایدی مصون خواهد ماند.

شیاطین اهل ایمان را از چهار جانب مورد تهاجم بی‌امان قرار می‌دهد. دور کردن ارزش‌های دینی و خارج کردن محبت اهل بیت(ع) مأموریت اصلی سپاهیان ابلیس است و در این مسیر با دو روش آشنا نشدن با سیره اولیای الهی و زاویه گرفتن با فرهنگ امامت و ولایت هدف خودشان را دنبال می‌کنند.

گناه‌گریزی و دوری از شیاطین اساس سبک زندگی اهل بیت(ع) است. غفلت از آخرت شگرد حمله شیطان از پیش روی اهل ایمان، ایجاد زمینه دل‌بستگی به دنیا هدف حمله از پشت سر، ایجاد شبهه در دین و معارف اسلامی ترند هجوم از سمت راست و دعوت به خلوت شیطانی هدف حمله شیطان از سمت چپ انسان است.

برنامه‌های شبکه‌های فضای مجازی با صحنه گردانی ابلیس به مردم ارایه می‌شود. امروز ما بیش از هر زمان نیازمند الگوگیری از سبک زندگی اولیای الهی هستیم و تنها راه نجات از این شبهات و منجلا و فرهنگی و اعتقادی اتکا به سبک زندگی یوسف صدیق، گناه‌گریزی و شیطان‌گریزی است.

میراث ماندگار

موقوفه ای در چند مصرف

تکتم حیدریان

حاج علی اکبر تحویلدار از واقفان آستان قدس رضوی در سال ۱۳۰۲ هجری قمری است که با وقف چهار مورد وفقی تلاش کرده است تا اقشار مختلف و آیندگان از ثمره‌های اجتماعی و اقتصادی وقفش بهره‌مند شوند. تحویلدار پس از تعیین حق‌التولیه و حق‌النظاره خواهد یک دهم درآمد موقوفاتش به منظور رد مظالم صرف زائران غریبی شود که وارد حرم مطهر رضوی می‌شوند.

او در ادامه می‌خواهد یک دهم دیگر آن صرف خرید کفش و لباس برای زائران بی‌بضاعت و دو دهم دیگر آن به فقرا، خادم، فراش و... که منتسب به بارگاه منور رضوی هستند، اختصاص داده شود و یک دهم دیگر صرف ازدواج سادات فقیری شود که قادر به ازدواج نیستند.

وی همچنین توجه ویژه‌ای به ایتمام و بخصوص سادات دارد به طوری که سفارش می‌کند تا یک دهم از درآمد موقوفاتش را در روز عید غدیر به کودکان ایتمام سادات دهند.

روضه‌خوانی در شب و روزهای خاص با صلاح‌دید تولیدت وقت آستان قدس رضوی، برگزاری مجلس عزای حضرت سیدالشهدا(ع) با تأمین گلاب و چای و اطعام و غیره از مصارف دیگری است که دو دهم دیگر را برای آن تعیین کرده است.

حاج علی اکبر تحویلدار یک دهم دیگر از موقوفاتش را برای پرداخت اجرت دو نفر حافظ و قاری کلام‌الله مجید که همه روزه دو جزء قرآن تلاوت نمایند و یک زیارت مخصوص نمایند و ثواب آن را هدیه به روح واقف و والدین او کنند، اختصاص داده است.

فاطمه عامل نیک

خواندنی

داستان‌هایی برای زندگی



قدیم‌ها مردم بیشتر درس زندگی و راه و چاه حل مشکلاتشان را پای منبر روحانی مسجد محل می‌آموختند، گره‌های کور خانه و خانواده شان را هم به کمک حدیث و روایت و داستانی که روحانی یا ریش سفید محل از ائمه و بزرگان دین نقل می‌کرد، حل می‌کردند. خوبی این کار این بود که هم روحانی خوب هم محله‌ایش را می‌شناخت و به فراخور حال و احوال او نسخه می‌پیچید و هم اینکه یک سر داستان‌ها و مثل‌ها و پندها متصل به ائمه و بزرگان دین بود و رد پای خدا توی دوا و درمانشان مشخص بود. امروزه به دلیل رشد جمعیت و بزرگ شدن محله‌ها، مردم از هم دور شده‌اند و کمتر آن حال و هوای قدیمی وجود دارد اما آنچه تغییر کرده منبع عظیم و دریای غنی داستان زندگی ائمه و احادیث و روایات آن بزرگان است. مؤلف کتاب «امام رضا علیه السلام و زندگی» با همین رویکرد سراغ گزارش‌ها، داستان‌های کوتاه و شیوه‌های رفتاری امام رضا علیه السلام رفته است. این کتاب در هشت بخش به عناوینی چون امام، خانواده و خویشان، امام و مردم، امام خوراک، پوشاک و بهداشت و امام و علم و حکمت پرداخته و با بازگویی گوشه‌های از زندگی این امام معصوم در بی‌ارایه‌الگوی عملی برای زندگی امروز ما به عنوان یک فرد مسلمان است. کتاب «امام رضا علیه السلام و زندگی» به همت «مهدی غلامعلی» نوشته و توسط انتشارات به نشر در ۱۳۶ صفحه چاپ شده است.

حمیده خلیل زاده

۴۵ تانیه

ما هزار امید است و هر هزار تویی



امام رضا علیه السلام ۱۰ خصوصیت را برای کامل بودن عقل یک مسلمان برمی‌شمرند که قصد داریم از این هفتیه، آن‌ها را یک به یک مرور کنیم. ایشان می‌فرمایند: لَا يَمْتَعُ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: (۱) الْاَخِرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ. عقل شخص مسلمان تمام نیست، مگر این که ۱۰ خصلت را دارا باشد: (۱) از او امید خیر باشد. برخی آدم‌ها هستند که وقتی وارد جمع دوستان و یا فامیل می‌شوند، همه از دیدنشان خوشحال می‌شوند. همه به هم‌صحبتی با آن‌ها علاقه دارند. می‌خواهند کمی سفره دل خود را در حضور این گونه دوستان و خویشاوندان باز کنند. ترجیح می‌دهند مسایل خود را با آنان در میان بگذارند تا مگر با یک توصیه یا کمک کوچک مشکلاتشان حل شود. گاهی می‌بینیم که در یک اداره، یک نفر هست که وقتی مسأله‌ای پیش می‌آید، به او ارجاع می‌دهند، چون او خیرخواه همه است و بالاخره راه چاره‌ای برای گره پیش آمده پیدا خواهد کرد؛ چنین شخصی نه بی تفاوت است و نه سنگ انداز. اگر شما هم از این گونه افراد سراغ دارید که همیشه نیکی، آشتی دادن، بخشش و گره‌گشایی از آن‌ها انتظار می‌رود، بدانید که اولین خصوصیات خردمندان را دارند. آیا ما نیز از این جمله هستیم؟

حرف دل

پای صحبت خادمی که به اسارت تکفیری‌ها در آمد
به حضرت متوسل می‌شدیم

آریتا ذکاء

نیمه ماه رمضان سال ۹۱ است. روزه‌داران در روز ولادت کریم اهل‌بیت(ع) خوشحال هستند، اما اتفاق ناخوشایند گروگانگیری ۴۸ ایرانی کشورمان، این روز مبارک را با غم و اندوه همراه می‌سازد. ۶ ماه می‌گذرد و با رایزنی‌های جمهوری اسلامی ایران، دل ملت از آزادی این سربازان وطن شاد می‌شود. احمد بقال‌صفا، فراش افتخاری کشیک یکم حرم مطهر علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) یکی از آن گروگان‌هاست.

او سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای مذهبی و انقلابی در جوار بارگاه امام مهربانی‌ها چشم به جهان گشود. با شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» مفهوم مبارزه را از کودکی آموخت و در اوایل جوانی در جنگی که کشور همسایه به میهنش تحمیل کرد، او را به جهادگری تبدیل ساخت تا جوانی‌اش را صرف دفاع از وطن کند. او ۱۵ سال است که افتخار خدمت به زائران و مجاوران امام مهربانی‌ها را دارد.

چه شد که به اسارت تکفیری‌ها در آمدید؟
مردادماه سال ۹۱ ما ۴۸ ایرانی بودیم که به سوریه رفتیم. راننده سوری قرار بود ما را به هتلی در دمشق ببرد، او که بعد معلوم شد از همدستان گروه‌های مسلح تکفیری است، در یک منطقه‌ای مسیرش را عوض کرد و با هماهنگی‌هایی که از قبل انجام داده بود، به اتوبوس ما حمله شد و ما را گروگان گرفتند.

در ایام اسارت، برخوردشان با شما چطور بود؟
از نیروهای وهابی و تفکر وهابیت چه انتظاری است؟ به بهانه‌های مختلف ما را شکنجه می‌کردند و بیشتر جوان‌ها را شلاق می‌زدند. شکنجه روانی داشتند و سعی می‌کردند آرامش را از ما بگیرند، ولی خوشبختانه همه بچه‌ها روحیه عالی داشتند و با وجود اینکه شرایط خیلی بدی برای برخی فراهم کرده بودند. با این حال همه بچه‌ها، نیروهای مقاوم و باصلاتی بودند.



با توجه به حضورتان در جنگ هشت ساله دفاع مقدس و سوریه، کدام جنگ بدتر بود؟

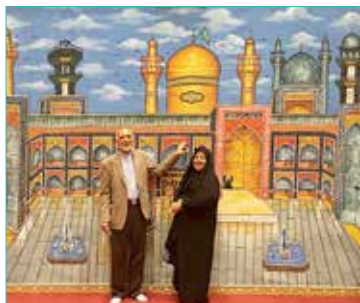
دو جنگ از نظر راهبردی مشترک هستند و به لحاظ ریشه‌ای و اعتقادی حساب کنیم، جنگ کفر و تکفیری‌ها علیه اسلام است، ولی به لحاظ میدان تاکتیکی این دو جنگ با هم تفاوت دارند. در جنگ هشت ساله دفاع مقدس یک خط مقدم وجود داشت و نیروهای نظامی درگیر بودند و مردم خیلی درگیر مستقیم جنگ نبودند، ولی در سوریه این طور نیست و جنگ شهری است. در سوریه از مردم به عنوان سپر دفاعی استفاده می‌کنند که موارد عینی آن را در مدت این ۶ ماه آنجا دیدیم. تفاوت دیگر این دو جنگ در بحث اسراست. در جنگ ایران و عراق، طرف مقابل یک کشور، سازمان و ارتش مشخص بود و به لحاظ بین‌المللی این جنگ شناخته شده بود و بیشتر اسرا ثبت هلال احمر شدند. ولی ما در سوریه اسیر یک گروه مسلحی بودیم که خودشان هیچ جایگاهی در این جنگ نداشتند و این تفاوت ویژه‌ای بود که بین اسرای جنگی تحمیلی با اسرای جنگ سوریه وجود داشت.

شرایط سخت اسارت را چطور می‌گذرانید؟
** ما سه نفر از مشهد بودیم و در حقیقت منتسب به امام هاشم(ع) و این جمع گروگان برای ما که از مشهد رفته بودیم، احترام خاصی قابل بودند. زمانی که شکنجه‌ها و فشارهای روحی و روانی از حد می‌گذشت و قابل تحمل نبود، جمع تصمیم می‌گرفتند همگی متوسل به امام رضا(ع) شوند و این توسل به امام مهربانی‌ها در موارد مختلف اتفاق می‌افتاد و پس از توسل، عنایات غریب الغریا شامل حال اسرا شده و گشایش بسیار خوبی برای جمع حاصل می‌شد. یک شب در حرم مطهر رضوی یکی از سخنرانان حرم گفت: «همه امامان رؤف هستند، ولی رأفت امام رضا(ع) حسی است» و ما این را در آن دوران بخوبی درک کردیم.

شوق وصال

روایتی شیرین از مشرف شدن دو زائر بوشهری به مشهدالرضا(ع)
به همت چند خیر مشهدی

دیدار بعد از ۳۷ سال انتظار



کلمات با لهجه شیرین بوشهری از حنجره پربغضش موج برمی‌دارد و آهسته‌آهسته در فضا پخش می‌شود: «گفتم آقا خودت می‌دونی با چه کوله‌باری از غم اومدم، اگه بگمت خیلی خسته‌ت می‌شه. تو خودت منو دعوت کردی. غصه‌هام رو هم خودت ببر. تو خودت می‌دونی چه همه چشم‌انتظار بودم. چه همه سال» پیروز این‌ها را می‌گوید و زلال اشک، گودال‌های پایین دو چشمش را پر می‌کند. آنقدر که گودال‌ها لبریز می‌شوند و سیلاب، بر گونه‌هایش می‌ریزد. گرم و روان.

قصه اول: کبوتری شکسته‌پر در آشیانه تویم
پیروز خسته و دلشکسته بود. در یک بعدازظهر کسل تابستانی، همان‌ها که شرحی هوای بوشهر بیشتر از هر زمان کلافه‌ات می‌کند، کنج خانه کوچکش نشسته بود. با دلی که عجیب تنگ بود. تنگ هوای مشهد. در روزهای عید و جشنی که همه جا را ریسه و چراغانی بسته بودند، در دلش، ابرهای تیره اندوه، تنگ هم جمع شده بودند.

ابراهیمی که هر لحظه آماده باریدن می‌شدند. بار دیگر خادمین مشهدالرضا(ع)، به مناسبت میلاد امام رؤف به بوشهر آمده بودند تا هوای دل پیروز را امام رضایی کنند. تا یادش بیندازند همسایه‌ها، اقوام دور و نزدیک و دوستان. همه طی این سال‌ها، بارها باپوس آقا پیش رفته‌اند. پس کی قرار بود نوبت او شود؟ نوبت او و همسر کهنسالش که عمری با زحمتکشی، خانواده‌اش را نان حلال داده بود. یعنی ۳۷ سال انتظار برایشان بس نبود؟ پیروز روزنامه منتسب به امام هاشم(ع) را در دست گرفت. روزنامه‌ای که خرید هر روزه همسرش بود. روزنامه را ورق می‌زد و دلگرت‌تر از همیشه می‌شد. با دیدن هر تصویر از بارگاه امام مهربان، گلوله‌های اشک، بیصدا از چشمانش سُر می‌خورد و روی چروک‌های صورتش محو می‌شد. لحظه‌ای فکری به ذهنش رسید. تلفن همراه را برداشت و برای روزنامه پیامکی فرستاد. پیامکی از سر دلنگنی. پیامکی که با وجود کوتاه بودن می‌خواست بگوید چقدر ارسال کننده‌اش، بی‌تاب است. دکمه ارسال را که زد، انگار سبک‌تر شده بود. انگار قسمتی از بغض بی‌پایانش، با کلمه کلمه پیامک، پر

کشید و رفت تا آسمان بیکران مشهد. کنار دسته کبوترهای حرم، پیروز توی حیاط آمد. لب پله نشست و نفس تازه کرد. شرحی هوا رفته‌رفته خودش را عقب می‌کشید و خنکای ملایمی در فضای سر شب می‌پیچید. به آسمان نگاه کرد. با تماشای اولین ستاره شامگاهی انگار در دلش کورسویی روشن شد. نقطه‌ای کوچک از نور. یعنی ممکن بود امام رضا(ع) آن‌ها را هم بطلبد؟ به همین زودی‌ها؟

قصه دوم: راهی‌ست راه عشق که هیچش کرانه نیست

مرد توی مغازه نشسته بود و روزنامه اول صبحش را به رسم هر روز می‌خواند. روزنامه‌ای که از همان آغاز سال‌های انتشار، مشترکش شده بود. آن سال‌ها هنوز در نیروی انتظامی خدمت می‌کرد و مثل امروز بازنشسته نبود. روزنامه را دوست داشت و سال‌ها با مطالبش خاطر‌هزایی کرده بود. او که بزرگ‌شده کوچک چهارباغ بود و سال‌ها در چند قدمی حرم رضوی زندگی کرده بود، تعلق خاطری عجیبی به این روزنامه داشت. روزنامه‌ای با نام امام شهرش. عینک ذره‌بینی را به صورت زده بود و روزنامه را با دقت می‌خواند. روی بعضی صفحات از جمله صفحه‌ای که مربوط به اخبار حرم رضوی بود، بیشتر درنگ می‌کرد. ناگهان ستون کنار صفحه‌اش را جلب کرد و پیامکی کوتاه، تارهای دلش را لرزاند. مدت‌ها بود در دل نیت داشت کار نیکی انجام دهد.

مریان خدا

فرزند شهید را گفت و گو با «سلام»:

شهادت، پاداش مجاهدت شهیدهاشمی نژاد بود

محمدحسین مروج کاشانی

مقدس مشهد و در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، شاخه خراسان در خیابان «عشرت آباد» سابق مشغول فعالیت بود و به انجام امور محوله از سوی امام راحل و مسؤولان نظام اسلامی در استان خراسان و شهر مشهد می‌پرداخت. ایشان، ساعت هفت و نیم صبح روز سه‌شنبه، هفتم مهرماه سال ۱۳۶۰ و در سالروز شهادت حضرت امام محمد تقی جواد(السلامه) به شهادت رسید، آن هم در پی اقدام ناجوانمردانه و انتحاری یکی از اعضای گروهک تروریستی منافقین(سازمان مجاهدین خلق) و در اثر انفجار نارنجک.

آن موقع من ۱۶ ساله بودم و صبح‌ها در یک مؤسسه فرهنگی فعالیت می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان مالک اشتر در خیابان سی متری دوم احمدآباد و در کلاس سوم دبیرستان مشغول تحصیل بودم. خبر شهادت پدرم را صبح همان روز از طریق دوستانم که آن‌ها هم از طریق رادیو

شنیده بودند، دریافت کردم. یک ربع طول کشید تا خودم را به دفتر حزب در خیابان عشرت آباد رساندم، دیدم که جلو در ورودی شلوغ است. دیدم در و دیوار و زمین داخل دفتر حزب آغشته به خون است. هنوز تکه‌هایی از بدن شهید روی زمین و در دیوار پخش بود.

بحث شهادت پدرم همیشه در خانه ما مطرح بود. پدرم به خاطر شخصیت انقلابی و فعالیت‌هایی که داشت و اینکه از یاران نزدیک امام راحل و مقام معظم رهبری محسوب می‌شد، همیشه مورد بغض و کینه و دشمنی ضد انقلاب و بویژه گروهک منافقین(سازمان مجاهدین خلق) قرار داشت. یادم می‌آید که یکی از اقوام ما که از مسؤولان صدا و سیما می‌شنید در آن زمان بود، به شوخی به پدرم گفته بود: ما حتی فیلم و برنامه اعلام شهادت شما را هم آماده کرده‌ایم.

یادم هست که پس از شنیدن خبر شهادت

پدرم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شهر





گنجینه

نقوش ایرانی زیرپای زائران

فاطمه عامل نیک

از ورودی‌های حرم که می‌گذری، پس از گنبد و گلدسته‌های طلا آنچه نگاهت را نوازش می‌دهد گلستانی از نقوش ایرانی برزمینه زرشکی فرش ایران است. گلستانی از ایلیاف رنگی که حاصل هنر دیرینه فرش‌بافی ایران است و سال‌هاست که خاضعانه زیر گام‌های زائران مشتاق رضوی پهن شده است. از سال‌های دور گنجینه گرانبهایی از فرش ایرانی مزین کننده رواق‌ها و ورودی‌های حرم امام رضا علیه السلام بوده است. گنجینه‌های مجموعه‌ای از قالی‌های پرده‌ای قدیمی و بی‌بدیل آمیخته با طرح و رنگ‌های زیبا و بی نظیر که اکنون در موزه فرش آستان قدس رضوی در معرض نمایش قرار دارد. با یکی از این گنجینه‌ها آشنا می‌شوید:

موزه‌ای برای بافته‌های اهدایی

موزه فرش آستان قدس رضوی در حرم مطهر امام رضا علیه السلام به منظور بهره‌مندی بیشتر زائران این آستان از گنجینه فرش‌ها و منسوجات نفیس و گرانبها که از سال‌های دور مزین کننده رواق‌ها و ورودی‌های حرم مطهر بوده‌اند و آثار گرانبهایی که هدیه و وقف شده‌اند، در سال ۱۳۷۷ راه‌اندازی شد. این موزه در دو طبقه با زیر بنای ۱۰۰۰ متر مربع با فضای نمایشی یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های فرش ایران به شمار می‌رود که درحال حاضر دارای ۱۸۵ تخته قالی، قالیچه و انواع سوزن دوزی‌های گلابتون، قلابدوزی، ده یک دوزی و معرق دوزی است.

این آثار از دوره صفویه تاکنون توسط مشتاقان و زائران و مجاوران به بارگاه امام هشتم وقف شده است. قالی‌های این موزه با بهترین و زیباترین طرح‌ها مانند طرح‌های محرابی (درختی، گلدانی، باغی، قندیلی و دورنما) لچک ترنج، افشان ترنج، افشان بندی، ماهی درهم، شکارگاه، تصویری، بته حقه به صورت قالی، قالیچه، پرده‌ای، سجاده، تابلو فرش بافته شده‌اند.



قالی پرده‌ای، خوشامدگویی زائران

قالی پرده‌ای، نوعی قالی است که به عنوان پرده در ورودی‌های اماکن مذهبی (تکابا، حرم امامان، امامزادگان)، آویز می‌شوند و علاوه بر حفاظ، جنبه تزئینی هم داشته‌اند. این قالی‌ها به صورت ساده یا شکاف دار، یک رو یا دو رو بوده و از نظر طرح و اندازه به شکل‌های مختلف مطابق محل استفاده شان تولید می‌شوند. اگر در فصل‌های سرد سال به حرم مطهر مشرف بشوید، فرش‌هایی را که به عنوان پرده در ورودی‌ها به منظور جلوگیری از خروج گرما و اتلاف انرژی نصب شده‌اند، می‌بینید. این سنت از گذشته در حرم رواج داشته است. از جمله قالی‌های پرده‌ای به نمایش گذاشته شده در موزه فرش آستان قدس رضوی می‌توان به قالی پرده‌ای «محرابی قندیلی» بافت اراک، قالی پرده‌ای «محرابی ترنجدار» بافت اصفهان، قالی پرده‌ای «محرابی قندیلی» بافت کرمان اشاره کرد.

محرابی با تارو بود عشق

طرح‌های قالی‌های پرده‌ای استفاده شده در حرم مطهر بیشتر طرح‌های محرابی هستند که انواع مختلفی چون محرابی گلدانی، محرابی درختی، محرابی دورنما و... دارد. طرح محرابی همان محراب مساجد است که درون محراب گاهی ساده و بدون نقش و گاهی پوشیده از شاخ و برگ‌های ختایی و گل‌های شاه عباسی و گاهی دارای درختی نظیر درخت سرو و طوبی و... یا گلدانی مملو از شاخه‌های گل به همراه حیوانات و پرندگان نظیر طلوس، آهو و گاهی قندیلی و کتیبه ای با نوشته ای در بالای محراب طرح می‌شود. همه این طرح‌ها نمادی از باغ و رضوان بهشتی است که هنرمند ایرانی به چشم دل آن‌ها را ترسیم کرده است و با عشق برای آراستن در مکانی که خود قطعه‌ای از بهشت است، تقدیم کرده است.

و بالاخره صرف ناهر در مهمانسرای امام (رضاع) و بر سر خوان نعمتش، حاجت دیرینه دیگر دو زائر نظر کرده امام هشتم بود که مستجاب شد.

قصه آخر: خانواده بزرگ قدس

عصر جمعه است. همه در دفتر تحریریه روزنامه جمع‌اند. قرار است میهمانان خوب امام هشتم، لحظاتی دیگر به جمع کارکنان بپیوندند. لحظات هیجان‌آور و پردلشورهای است. زائرین عزیز بوشهری که بعد از چهار روز اقامت در مشهدالرضاع (رضاع) فردا در بازگشت از این سفر فراموش‌نشده‌ی راهی دیارشان هستند، قرار است در دفتر روزنامه حضور پیدا کنند. چیزی نمی‌گذرد که همه پیدایشان می‌شود. مثل یک خانواده بزرگ، گرم و صمیمی جلو می‌آیند. مردها دوشادوش هم و زن‌ها آرام و مهربان، عقب‌تر. پیرزن، فقط اشک می‌ریزد و گریه‌هایش را بریده. می‌گوید نمی‌داند چطور این خوبی‌ها را جبران کند. می‌گوید افرادی که مسبب سفرشان بودند، فرشته‌اند. می‌گوید برای همه‌شان از امام (رضاع) عاقبت به خیری خواسته. ظهور امام زمان (عج) و عاقبت به خیری، تنها حاجتش بعد از ۳۷ سال بوده است. پیرمرد، لبخند می‌زند. خوش‌صحبت و شوخ‌طبع است. از جیب کتش، چند برگه ورق کاهی درمی‌آورد. توی ورق اسامی همه نویسندگان روزنامه به چشم می‌خورد. از عکاس تا خبرنگار و سردبیر و... می‌گوید از شدت علاقه‌اش به مطالب روزنامه، اسم همه عوامل را برای خودش یادداشت می‌کند. در فهرستی که حالا به طوماری بلند تبدیل شده. مسؤول صفحه، اسم خودش را در ردیف ۴۸ پیدا می‌کند و با اشتیاق از پیرمرد می‌خواهد هروقت این شماره را دید دعا کند. چیزی نمی‌گذرد که همه به دفتر مدیرعامل دعوت می‌شوند.

مدیرعامل که لحظاتی قبل در سفر بوده، خود را بسرعت از فرودگاه رسانده تا شخصاً با زائرین بوشهری و خیرین همشهری‌اش دیدار کند. حرف‌ها گل می‌اندازد و بازار دیدهبوسی و شوخی داغ می‌شود. عکاس هم در این بین، در قاب دوربینش این لحظات تماشایی را به ثبت می‌رساند. پیرمرد که زرمند جبهه و جانباز هم بوده، چند کتاب کوچک تألیف کرده که آن‌ها را به کارکنان روزنامه هدیه می‌دهد. هدیه‌های فرهنگی و ارزشمند. از طرف روابط عمومی روزنامه چند کاشی زیبا منقش به نام علی‌بن موسی‌الرضاع (رضاع) به این سه خانواده تقدیم می‌شود. خانواده‌هایی که همه از مخاطبین قدیمی روزنامه و از اعضای خانواده بزرگ قدس هستند و روزنامه واسطه‌ای شده برای آشنایی بیشترشان. نمک متبرک و پوسته‌هایی یادگاری از حرم منور و زیبای امام هشتم، آخرین هدیه به دو زائر جنوبی است تا آن‌ها را با لبخند و قلبی شاد راهی کند و این قصه به زیباترین شکل پایان بگیرد. پایانی آنقدر شیرین و خوش که بهتر از آن نمی‌توان تصور کرد.



عکس: محمد زائران

به مشهد مقدس. همه از شوق این ورود سر از پا نمی‌شناختند. از خانواده‌های دو نیکوکار مشهدی تا روزنامه نگارهای تحریریه قدس که جریان این سفر را مدام پیگیری می‌کردند. ظهر عید غدیر، هواپیمایی از بوشهر به آسمان برخاست که قرار بود ۷۴ زائر را به مشهد برساند. در بین این ۷۴ زائر، دو زائر هم بودند که بعد از ۳۷ سال به آرزویشان می‌رسیدند؛ بعد از ۳۷ سال به پاپوس می‌آمدند.

پیرزن و پیرمرد، ظهر روز عید توانستند پس از سال‌های سال در خاک پاک مشهد قدم بگذارند. آخرین باری که وارد شهر امامشان شده بودند هر دو جوان بودند و چه زود گذشته بود این سال‌های سخت دوری. اشک در همه این مدت از چشمان منتظرشان سرازیر بود و با چه عشقی هوای مشهدالرضاع را استشمام می‌کردند. زائران خسته از سفر، به خانه مرد مهربان قصه منتقل شدند تا بعد از لحظاتی، به وصال محبوبشان برسند. لحظاتی که وصف‌شدنی نبود. حالا می‌شد حرمی را که ۳۷ سال در قاب عکس‌های رنگ و رو پریده تماشا کرده بودند، در آغوش بکشند. صحن عتیق، سقاخانه اسماعیل طلایی، ایوان طلا، پنجره پولاد، روضه منوره، چقدر این اسامی آشنا بودند. انگار ۳۷ سال می‌شد که هر روز و هر شب همین کلمات را می‌شنیدند...

روز بعد از زیارت، حالا نوبت نیکوکار دیگر بود تا زائرین عزیز امام هشتم را به مشهدگردی ببرد. از جواهرتبع تا کوهسنگی. از باغ نادری تا شان‌دیز و جعفرق و طریقه

چه بیقرار می‌تپند. یک روز گذشت. مکانیک قصه ما روز بعد دوباره روزنامه را در دست گرفت و ستون درد دل‌های مخاطبین را با امام هشتمش خواند. این بار پیامکی جدید توجهش را جلب کرد. پیامکی از یکی از همشهریان. مردی اعلام کرده بود حاضر است هزینه سفر دو زائر بوشهری را بپردازد. با دیدن این پیام فهمید که ای دل غافل! از قافله کار یک قدم عقب مانده. فوری دست به کار شد و برای روزنامه پیامکی زد تا اعلام کند، حاضر است زائرین عزیز امامشان را مهمان خانهاش کند. خانه ساده و بی‌ریایی که در منطقه طبرسی شمالی داشت. خانه‌ای که شاید تجملات چندانی نداشت، ولی در وجب و وجبش اعتقاد به اهل بیت (ع) و علاقه به زائرین امام هشتم (ع)، موج می‌زد.

قصه چهارم: مهربانی خدا در زد و مهمان آورد

تماس‌ها گرفته شد و وقتی نیت دو خیر مشهدی، به اثبات رسید، به پیرمرد و پیرزن بوشهری، تلفنی خبر داده شد. شادی و ناباوری را می‌شد، همان‌جا از پشت خطوط تلفن و در عمق کلماتی که با لهجه‌های صمیمی‌شان ادا می‌کردند، حس کرد. هماهنگی‌ها انجام شد و برای خرید اینترنتی بلیت هواپیما در پروازهای که هر لحظه بلیت مسافرتی پر می‌شد، اقداماتی صورت گرفت. بالاخره قسمت این بود که ۳۰ شهرویر مصادف با عید مبارک غدیر، همزمان شود با روز ورود پیرمرد و پیرزن از سرزمین گرم جنوب

پنج برادر دارم که آن موقع همه خردسال بودند.

سید مهدی هشت ساله بود، سیدرضا سه ساله، سیدعلی ۲/۵ ساله، سید روح‌الله ۱/۵ ساله و برادر دیگرم آن موقع هنوز به دنیا نیامده بود که پس از تولد، نامش را سیدعبالکریم گذاشتیم. خواهرانم هم آن موقع ۱۴، ۲۰ و ۱۲ سال داشتند.

در زمان به شهادت رسیدن پدرم، آیت الله واعظ طبسی (ره)، در سفر حج تمتع و در شهر مقدس مکه بودند و نبود ایشان در آن موقع در مشهد برای ما یک خلا بزرگ محسوب می‌شد.

در هفتم مهرماه ۶۰ وقتی بر پیکر پدر حاضر شدم، فقط فاتحه خواندم، اما حالا در هفتم مهرماه سال ۹۵ و پس از گذشت ۳۵ سال به روح پاک پدرم می‌گویم: پدر بزرگوارم! به راه تو، مسیر تو و سرنوشت تو منخریم و خدا را شاکریم که به گونه‌ای زندگی کردی که در طول عمر سربلند زبستی.

پیکر پدرم را همچون جد بزرگوارش امام حسین (ع) نتوانستند غسل بدهند و کفن کنند، زیرا در اثر بغض و کینه و دشمنی ضد انقلاب و گروهک تروریستی منافقین، پیکر پدرم بر اثر انفجار نارنجک از ناحیه شکم متلاشی شده بود و امکان غسل دادن نبود و با نظر مراجع عظام تقلید و علمای دینی، از نظر شرعی پیکر ایشان را تیمم بدل از غسل دادند و با همان لباس روحانیت که خود سالیان متمادی با آن مانوس بود، پس از اقامه نماز، در رواق دارالسلام حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

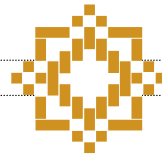


ایشان یک احساس آرامش، صبر، استواری و پایداری عجیبی در وجود خود حس می‌کردم و این همه از الطاف الهی و عنایات ائمه اطهار (ع) بود و این احساس آرامش به گونه‌ای بود که وقتی همکاران و دوستانم تازه می‌خواستند با روش‌های مختلف خبر شهادت پدرم را به من بدهند، من پیشدستی کردم و این جمله را گفتم: که راه و مسیری که ایشان انتخاب کرده است، خواه ناخواه به شهادت در راه خدا منجر می‌شود و شهادت پاداش و مزد تلاش‌ها و مجاهدت ایشان است. پادم هست که وقتی حدود ساعت هشت و نیم صبح روز واقعه با منزل پدرم که در آن زمان در خیابان آیت الله طالقانی منطقه کوهسنگی بود، تماس گرفتم، مادرم گوشی را برداشت. ظاهراً قبل از من، یکی از اقوام و خوششان به مادرم خبر داده بود و رادیو هم خبر شهادت شهیدهاشمی نژاد را پخش کرده بود. یادم می‌آید وقتی شرح ماجرا را گفتم، مادرم هم با صلابت و استواری احساساتش را کنترل کرد و من را دلدار داد.

مرحوم آیت الله واعظ طبسی (ره) بعدها این

خاطره را برای من و برای افراد دیگر و خانواده ما بارها بیان کردند که ایشان پس از بازگشت از سفر حج مطلع می‌شوند که شهیدهاشمی نژاد دقیقاً در همان مکانی که خودشان قبل از شهادت به طور خصوصی تعیین کرده بود، دفن شده است. مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی بعدها به ما گفت، ایشان و شهیدهاشمی نژاد چون احتمال می‌دادند که شهید بشوند، با یکدیگر به طور خصوصی قرار گذاشته بودند که هر کدام زودتر شهید شد، در همان مکانی که اکنون پدرم دفن است، دفن شوند. آیت‌الله واعظ طبسی می‌گفت، نگران بودم نکنند به این سفارش شهیدهاشمی نژاد عمل نشود که پس از بازگشت از مراسم حج مطلع شدند شهیدهاشمی نژاد در همان مکانی که مشخص کرده بود، دفن شده است.

انتظار و گلایه ما اصلاً جنبه شخصی و خانوادگی ندارد. به شهیدهاشمی نژاد باید به عنوان یک شخصیت انقلابی و از مفاخر جمهوری اسلامی ایران تکریمه شود. مقام معظم رهبری از شهیدهاشمی نژاد به عنوان «کانون فرهنگی خراسان» یاد کرده‌اند. انتظار ما این است که مسؤولان و نهادهای دستگاه‌های ذی‌ربط، مرکزی را برای فعالیت‌های فرهنگی به یاد و خاطره این شهید بزرگوار اختصاص دهند. بارها از طریق شهرداری و سایر نهادها حتی پیشنهاد داده‌ایم محل شهادت این شهید که بدون استفاده مانده است، به عنوان یک مرکز فرهنگی و برای کار فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد که البته هنوز کاری انجام نشده است.



امامزاده‌ای که رهبر انقلاب با خانواده به زیارتش رفتند

رضا عابقی

رهبر معظم انقلاب ۱۴ شهریورماه امسال به صورت سرزده به زیارت حضرت سلطان علی بن امام محمد باقر(علیه السلام) در مشهد اردهال کاشان رفتند. حجت‌الاسلام حسن امیری، معاون فرهنگی و اجتماعی اداره‌کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان در گفت‌وگو با خبرنگاری بین‌المللی قرآن، می‌گوید: رهبر معظم انقلاب صبح چهاردهم شهریورماه به صورت سرزده و به همراه خانواده و بدون هیچ گونه هماهنگی قبلی و تشریفات به استان اصفهان سفر کردند و به زیارت امامزاده اقلی عباس بادرود و حضرت سلطان علی بن امام محمد باقر(علیه السلام) در مشهد اردهال کاشان رفتند.

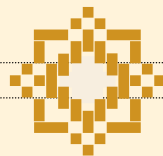


وی می‌افزاید: رهبر معظم انقلاب که با توبوس و بدون تشریفات و هماهنگی قبلی و بدون اطلاع مسؤولان استان به این استان سفر کردند، با حضور در امامزاده‌های اقلی عباس بادرود و حضرت سلطان علی بن امام محمد باقر(علیه السلام) در مشهد اردهال کاشان ضمن زیارت و خواندن نماز از مزار شهدای مجاور در استان این امامزادگان بازدید کردند. معاون فرهنگی و اجتماعی اداره‌کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان ادامه می‌دهد: برخی خادمان و مدیران استان و معدودی از زائران حاضر در حرم مطهر امامزاده اقلی عباس بادرود و سلطان علی بن امام محمد باقر(علیه السلام) مورد تفقد معظم له قرار گرفتند. وی می‌گوید: نکته جالب توجه این است که ایشان از ریزبرنامه‌های فرهنگی سازمان اوقاف که در بقاع متبرکه برگزار می‌شود، آگاه بوده‌اند. ایشان همچنین از سایر امامزاده‌های مشهد اردهال از جمله امامزاده شاهزاده حسین، زین‌الدین علی(علیه السلام)، امامزاده نورالهدی، امامزاده اسحاق و امامزاده اسماعیل در روستاهای حنارود زیارت کردند و برخی از مردم منطقه مشهد اردهال کاشان و بادرود موفق به زیارت رهبر معظم انقلاب شدند.

امامزاده سلطان علی کیست؟

حضرت علی بن محمد باقر، فرزند بلا فصل امام محمدباقر(علیه السلام) هستند. در منابع بیشتر از ایشان با عنوان سلطان علی یاد می‌شود. بزرگمردی که بنا به درخواست مردم کاشان از محضر نورانی امام محمد باقر(علیه السلام) به این شهر مهاجرت کرد و هدایت و رهبری آنان را بر عهده گرفت و مأمون و ملجأ مردم این منطقه و شهرهای اطراف مانند قم شد. مردم کاشان با شنیدن تشریف فرمایی حضرت، خوشحال شده، از کوچک و بزرگ، زن و مرد حدود ۶ هزار نفر به عزم استقبال، پیاده و سواره به آن سوی شتافتند. این امامزاده بزرگوار با ارتباط گرم و روحانی با قشرهای گوناگون مردم و سفرهای کوتاه مدت به مناطق مختلف کاشان و دیدار با مردم آن سامان، و احیای نماز جمعه در کاشان توانست در مدت سه سال به هدایت مردمان آن سامان بپردازد. وی در پایان این دوران با شهادت خویش، درستی حرکتش را به اثبات رسانید.

در مقام، شأن و عظمت حضرت سلطان علی بن محمد باقر(علیه السلام) همین بس که امام رضا(علیه السلام) ضمن گفت‌وگویی با میهماندار خواهرش، فاطمه معصومه(سلام الله علیها) در قم، به نام موسی بن خزر، از وی می‌پرسد: «اردهال را می‌شناسی؟» عرض می‌کند: «مرا در آنجا دو مزرعه ملکی است.» امام در این موقع سه بار می‌فرماید: «نَعْمَ الْمَوْضِعُ الْارْدَهَالِ؛ خوب موضعی است اردهال» و ادامه می‌دهد: «فالزم به و تمسک به؛ پس التزام و تمسک به آن پیدا کن.»



تار و پود سنت در آیین مذهبی امامزاده مشهد اردهال کاشان قیام قالیشویان

نقیسه قائیان



عکس‌ها: سیامک ابراهیمی

همچنین «قدم سعی» را به کوشش هاجر برای رساندن فرزندش اسماعیل به چشمه آب نیز تعبیر می‌کنند.

جانماز ترمه روی شانه راست

پیشاهنگ دسته حمل کنندگان قالی، معمولاً پیری از اهالی کاشان است که سوار بر اسب و جلوتر از دیگران حرکت می‌کند و جانمازی ترمه را روی شانه راست خود دارد. علم دسته که با پارچه‌های سبز پوشانده شده نیز نماد دیگری از آیین مذهبی است. مردم و حمل کنندگان قالی «الله اکبر» و «حسین حسین» گویان علم را حرکت داده، عزاداری می‌کنند و چوب‌ها را در هوا تکان می‌دهند. دسته در برخی جاها می‌ایستد و صاحبان نذر، چهارپایان را در پیش پای عزاداران قربانی می‌کنند.

وقتی قالی به چشمه رسید، مردم دور آب حلقه می‌زنند و چوب‌ها را پیاپی در هوا حرکت می‌دهند؛ سپس مراسم لعن خوانی بر دشمنان حضرت آغاز می‌شود. قالی‌شویان آب را بر قالی می‌ریزند. پس از شست و شو، قالی دوباره بر دوش گذاشته و از پای کوه اردهال، به صحن امامزاده برگردانده می‌شود. همزمان با تکان دادن چوب‌ها سینه زنی و نوحه خوانی نیز انجام می‌شود. در صحن امامزاده، چوب به دستان، قالی را به بالای ایوان بقعه می‌برند. در این لحظه، چند تن از بزرگان کاشانی، قالی را با ذکر نام امام حسین(ع) و دیگر اهل بیت از جوان‌ها می‌گیرند و مردم نیز با صدای بلند، آنان را همراهی می‌کنند. بعد از آن قالی با تشریفات خاص به داخل حرم برده شده و به استان امامزاده تحویل داده می‌شود.

پرده خوانی و تعزیه از دیگر بخش‌های این مراسم است. هر ساله صدها هزار نفر در این آیین مذهبی شرکت می‌کنند؛ مراسمی که با لطف حضور عکاسان و خبرنگاران دوستدار آداب و رسوم جهانی، بین‌المللی شده است.

ترتیب که چند جارچی در محلات فین، محله بازار کاشان و روستای خاوه، گشت می‌زنند و به روش و سنت نیاکان، با بانگ بلند و آوازی خاص، مردم را از نزدیک شدن به روز موعود آگاه می‌سازند. یک هفته پس از این اعلام عمومی، جمعه قالی از راه می‌رسد؛ روزی که مشهد اردهال، مملو از جمعیتی از سراسر ایران و میزبان عده‌ای از گردشگرانی است که برای دیدن این مراسم، بیرون از اینترنت و قالب تصویر به اینجا می‌آیند.

مراسم «جمعه قالی» هر ساله توسط اهالی روستای «فین» کاشان و چند روستای دیگر برگزار می‌شود و مردم دیگر روستاها تنها نظاره‌گر آن هستند. این مراسم در واقع، آیین نمادین تغسیل امامزاده است. در ابتدا یکی از قالی‌های درون امامزاده، به نماد قالی داخل تابوت که نقش خون ایشان را به خود گرفته است، بر دوش جوانان گذاشته می‌شود. روی این قالی را با یک تکه پارچه سبز پوشانده اند. جمعیت، قالی را به سوی سرچشمه نهر شازده حسین که در چند صد متری بنا قرار دارد، می‌برد. در مقابل، عده‌ای از مردم چوب به دست به نبرد نمادین با قاتل امامزاده می‌پردازند. چوبدستی‌ها در هوا تکان می‌خورند و همزمان با آن اشعار مصیبت و ذکر اهل بیت به گوش می‌رسد.

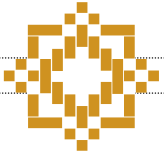
در این مراسم، قالی نماد جسم مطهر امامزاده و چوبدستی‌ها نماد خونخواهی و پایداری است؛ چرا که گفته می‌شود در آن زمان سلاح رایج افراد، چوب بوده است. در حین حمل قالی روی دوش عزاداران، مردمی که به نظاره ایستاده‌اند نیز با نوحه خوانی و سینه‌زنی، قالی‌شویان را همراهی می‌کنند. قالی در میان شور و هیجان عزاداران و با ذکر نام اهل بیت و شرح مصیبت آنان، حمل می‌شود. طی این طریق در گفته محلی‌ها، «قدم سعی» نام دارد که به گام‌های تند و شتابان و گاهی دوان دوان همراه با هیاهو و ول‌وله معنا شده است. مردم

دومین جمعه از مهر ماه هر سال که همان دومین جمعه از پاییز است، برای مردم مشهد اردهال، شهری در ۴۰ کیلومتری غرب کاشان، جمعه‌ای متفاوت است. این روز مقارن با سالگرد شهادت امامزاده سلطان علی بن محمد باقر(ع) است؛ امامزاده‌ای که در قرن دوم هجری بنا به دعوت مردم فین کاشان و امر پدر بزرگوارش امام محمد باقر(ع) برای ترویج اسلام، عازم کاشان شد و پس از سه سال به دست مأموران «هشام ابن عبدالملک» به شهادت رسید. قدمت بنای این امامزاده، به سده ششم هجری می‌رسد و مردم این منطقه، اعتقاد زیادی به آن دارند، به گونه‌ای که حضور در مراسم قالی‌شویان برای بسیاری از مردم این منطقه و شهرهای اطراف، یک فریضه مهم مذهبی محسوب می‌شود و حتی برخی ثواب زیارت امامزاده و حضور در مراسم قالی‌شویان را با زیارت مرقد مطهر امام حسین(ع) برابر می‌دانند.

فارغ از مسایل مذهبی، این مراسم سنتی چند صد ساله ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. بر اساس همین ویژگی‌ها بود که مراسم سنتی- مذهبی قالی‌شویان در سال ۹۱ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو به ثبت رسید. پیوند این مراسم با آیین‌های جشن تیرگان یکی از این خصوصیات ویژه است. برخی پژوهشگران و از جمله استاد «جابر عنصری» در کتاب «اساطیر و فرهنگ عامه ایران» این مراسم را بازمانده‌ای از جشن مهرگان می‌دانند. به گفته وی این مراسم شباهتی فراوان با آیین‌های کهن ایرانی دارد.

«جمعه جار»، «جمعه قالی»

جمعه پیش از «جمعه قالی» به اصطلاح محلی‌ها، «جمعه جار» نامیده می‌شود. یک هفته پیش از مناسک قالی‌شویان که با نخستین جمعه از فصل پاییز، همزمان است، فراخوانی مردم به مراسم قالی‌شوی انجام می‌گیرد؛ بدین



ایجاد فضای اسکان ۹۰۰ هزار زائر در اربعین حسینی

فاطمه لشکر نویسنده

در حالی که کمتر از ۵۰ روز تا برگزاری راهپیمایی عظیم اربعین حسینی باقی است، رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات از ایجاد فضای اسکان ۹۰۰ هزار زائر در اربعین حسینی خبر می‌دهد. حسن پلارک با اشاره به تمهیدات این ستاد به عنوان کمیته اسکان، تغذیه و مشارکت‌های مردمی ستاد مرکزی اربعین می‌گوید: در حال حاضر، برای ۹۰۰ هزار نفر فضای اسکان ایجاد و ۱۰ میلیون پرس غذا برای هر سه وعده روزانه تدارک دیده شده است. وی می‌افزاید: تاکنون ۲۰ موبک بزرگ در نجف، مسیر نجف به کربلا و خود شهر کربلا با ظرفیت ۱۰ تا ۷۰ هزار نفر را در نظر گرفته‌ایم و همچنین در سه مرز شلمچه، چزابه و مهران موبک‌هایی با ظرفیت ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر را داریم. ضمن اینکه بیش از ۳۰۰ موبک با ظرفیت هزار تا دو هزار نفر برپا خواهد شد.

از پنجم تا بیست و پنجم صفر

پلارک با بیان اینکه زمان خدمت‌رسانی به زائران از پنجم تا بیست و پنجم صفر است، می‌گوید: فضای در حال احداث صحن حضرت زهرا (سلام الله علیها) در نجف اشرف و صحن عقبه بنی‌هاشم در کربلای معلی هم در اختیار زائران قرار می‌گیرد. رئیس کمیته اسکان، تغذیه و مشارکت‌های مردمی ستاد مرکزی اربعین تصریح می‌کند: تدبیر ستاد مرکزی اربعین بر استان محوری است، به عبارت دیگر اعزام، تغذیه و اسکان زائران برعهده استان‌ها گذاشته شده، از این رو ما هم تقسیم‌بندی استانی را شروع کردیم و فضا و توزیع جغرافیایی را برای هر استانی در چهار شهر مقدس کربلا، نجف، کاظمین و سامرا ایجاد کردیم. وی ادامه می‌دهد: بر همین اساس استان‌های معین تعیین شدند و مشخص شد، هر استانی در کدام یک از شهرها، کدام استان در مسیرهای منتهی به شهرها و کدام استان در مرزهای ورودی به کشور عراق تغذیه و اسکان زائران را برعهده گیرد.

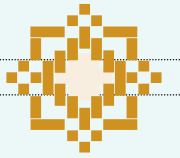


تهران، مسؤول اسکان زائران

رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات می‌گوید: از این رو استان تهران به عنوان پایتخت مسؤولیت اسکان زائران را در نجف اشرف و تغذیه همه زائران را برعهده گرفته است، همچنین دستگاه‌های گوناگون از جمله شهرداری، سپاه پاسداران، بسیج، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و بنیاد مستضعفان امکانات خود را به صورت امانی در اختیار زائران قرار می‌دهند و به این ترتیب بیش از ۵۰ درصد ظرفیت میزبانی‌ها را این مجموعه‌ها و سایر موارد را بقیه استان‌ها انجام می‌دهند.

عراقی‌ها، میزبانان اصلی

پلارک با تاکید بر اینکه میزبان اصلی زائران اربعین، عراقی‌ها هستند و همه امکانات ما به نوعی کمک به میزبانی آنان است، یادآور می‌شود: یکی از کارهایی که امسال انجام داده‌ایم، این است که همه زائران کشورهای اروپایی را در دو نقطه کربلا و همچنین نجف پذیرایی خواهیم کرد، به عبارت دیگر موبک‌هایی مخصوص آنان در نظر گرفته شده است تا ارتباط ما هم با آنان بیشتر شود. رئیس کمیته اسکان، تغذیه و مشارکت‌های مردمی ستاد مرکزی اربعین در پایان می‌گوید: حساب ۱۰۴۰ بانک‌های ملی، ملت و پست بانک و همچنین سامانه #۱۰۴۰*۷۸۰* (ستاره ۷۸۰ ستاره ۱۰۴۰ مربع) برای کسانی که قصد دارند در خدمت‌رسانی به زائران اربعین مشارکت کنند، در نظر گرفته شده، ضمن اینکه اگر استانداران شماره‌های را بدین منظور اعلام کردند، می‌توانند از آن طریق کمک‌های خود را در اختیار ما بگذارند.



زائران چطور می‌توانند در ساخت حرم‌های مطهر ائمه معصومین مشارکت کنند؟

خشت‌هایی برای بهشت



نمایی از حرمین شریفین کاظمین

کارگران وضو می‌گیرند و خشت‌ها را روی هم می‌گذارند. آن‌ها می‌دانند که این خشت‌ها، آمیخته آب و گل نیستند. هر کدام از این خشت‌ها، دنیایی از ارادت و محبت عاشقان اهل بیت (ع) را در خود جای داده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) به حضرت علی (ع) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ! إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَقَبْرَ وَوَلَدِكَ بَقَاعًا مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرَصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نَجَابَاءَ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَتِهِ مِنْ عِبَادِهِ نَحْنُ الْبَيْتُ وَ نَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى فَبِكُمْ قَبَائِمُ قُبُورِكُمْ وَ نَكْتُمُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ مَوْدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ، أَوْلَيْكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي وَ الْوَارِدُونَ حَوْضِي وَ هُمْ زَوَارِي غَدَا فِي الْجَنَّةِ؛ يَا أَبَا الْحَسَنِ! بَدْر سَتِي كَمَا خَدَى تَعَالَى قَبْرِ تُو وَ فِرْزَنْدَانِ تُو رَا بَقْعَه‌هَائِي اَز بَقْعَه‌هَائِي اَز عَرَصَه‌هَائِي اَن قَرَار دَاوَه وَ دَل‌هَائِي بَزَرِگَانِ اَز مَرْدَمِ وَ بَرِگَزِيدگانِ بِنْدگانِ خود را به آن‌ها مایل ساخته تا خواری و اذیت در راه از زیارت شما را متحمل شوند و قبور شما را تعمیر کنند و بسیار به زیارت قبور شما آیند تا موجبات تقرب به خدا و دوستی پیغمبرش را فراهم سازند. یا علی! شفاعت من مخصوص این گروه خواهد بود و آنان بر حوض من وارد خواهند شد و ایشان فردا زیارت کنندگان من در بهشت خواهند بود.» چند سالی است که کار بازسازی و مرمت عتبات مقدسه در دستور کار ستاد بازسازی عتبات عالیات کشور قرار گرفته است؛ از جمله این طرح‌ها توسعه حرم مطهر علوی و مرمت و بازسازی حرمین امامین جوادین در کاظمین و گنبد امام حسین (ع) در کربلاست که عموم افراد با پرداخت مبالغ مختلف می‌توانند در خرید خشت‌هایی آسمانی و بهشتی سهیم شوند.

گنبد حرم حضرت امام حسین (ع)

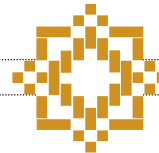
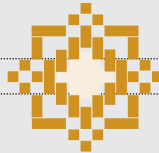
یکی دیگر از طرح‌هایی که برای مشارکت در ساخت حرم‌های مطهر ائمه اطهار (ع) فراهم شده است، پروژه ساخت گنبد جدید حرم امام حسین (ع) است که برای ساخت آن به بیش از ۲۰ هزار خشت طلا نیاز است. بر اساس این طرح، ارتفاع گنبد امام حسین (ع)، ۷ متر افزایش پیدا خواهد کرد تا این گنبد از خیابان‌های اطراف قابل مشاهده باشد. در این طرح علاوه بر ترفیع گنبد، چهار ستون نیز برای حرم مطهر ساخته خواهد شد. این طرح اصلی‌ترین برنامه ستاد بازسازی حرم امام حسین (ع) به شمار می‌رود. براساس ارزیابی‌ها، قیمت هر خشت طلا در طرح ساخت گنبد آستان مقدس حسینی، ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان تخمین زده شده است که ارادتمندان به ساحت اهل بیت (ع) می‌توانند هر خشت را به صورت فردی یا گروهی به نیت خودشان، اموات و یا شهدا خریداری کنند. برای اهداکنندگان خشت‌ها یک سند معنوی با کد و نام مخصوص کسی که آن را نذر کرده صادر می‌شود و سپس آن خشت با همان کد روی گنبد نصب می‌شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مشارکت در زمینه نحوه نذر برای ساخت گنبد طلائی حرم حسینی می‌توانند به دفتر ستاد بازسازی عتبات عالیات در هر شهر مراجعه کرده و یا با شماره تلفن ۲۲۲۲۲۲۲۲-۰۲۴ تماس بگیرند.

صحن و شبستان حضرت فاطمه (س)

یکی دیگر از طرح‌های معنوی که از سوی ستاد بازسازی عتبات عالیات در حال پیگیری است، طرح توسعه حرم مطهر امام علی (ع) و ساخت صحن و شبستان حضرت فاطمه (س) است که هموطنان می‌توانند با عضویت در طرح «خشت‌هایی برای بهشت» در این طرح نیز مشارکت داشته باشند. مشترکین همراه اول می‌توانند با عضویت در این طرح، با پرداخت روزانه فقط ۱۱۰ تومان، به میزان یک خشت در ساخت شبستان حضرت فاطمه (س) در جوار حرم حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) سهیم شوند. ارادتمندان برای عضویت می‌توانند عدد ۱۱۰ را به شماره ۸۸۸۸ ارسال کنند. همه مبالغ این طرح مستقیماً به طرح توسعه آستان مقدس علوی اختصاص می‌یابد. در این طرح که برای مخاطبین همراه اول برقرار شده است، مخاطبین بعد از عضویت روزانه پیام‌هایی را از این سرویس دریافت می‌کنند که این پیام‌ها شامل معرفی ستاد عتبات عالیات، پروژه‌ها و اقدامات صورت گرفته در عتبات مقدسه بویژه صحن و شبستان حضرت زهرا (س) و بیان فضایل حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س)، آداب زیارت و... می‌باشد. همچنین کسانی که تمایل دارند در این طرح به طور «روزانه یا درخواستی» مبالغ بیشتری را مشارکت نمایند به روش‌های زیر اقدام نمایند: بصورت روزانه و عضویتی با ارسال ۲۰۰ به ۸۸۸۲ و به صورت درخواستی با ارسال ۲۰۰۰ به ۸۸۸۷

باب القبله حرم علوی

توفیق بازسازی و بهسازی حرمین شریفین کاظمین و طرح مطالعاتی نمودن این حرمین مطهر نصیب اهالی خراسان رضوی شده است. این پروژه از مرداد سال ۱۳۹۲ آغاز شده که طبق ارزیابی‌ها در مجموع ۱۶ هزار خشت برای طلاکاری این ایوان‌ها و گلدسته‌ها موردنیاز است. از این تعداد، ۸ هزار خشت در ایوان باب‌القبله نصب می‌شود و در هر یک از دو ایوان باب‌القریش و باب‌المراد نیز ۴ هزار خشت به کار می‌رود. در حال حاضر طلاکاری ایوان باب‌المراد آغاز شده و ۲ هزار و ۶۵۸ عدد خشت آن تولید و هزار و ۷۴۳ عدد یعنی حدود ۴۳ درصد ابکاری شده است؛ همچنین کار تولید خشت‌های ساقه گلدسته‌ها به اتمام رسیده و بخش مقرنس و آب چکان آن در دست ساخت می‌باشد. هزینه ساخت هر خشت طلا در این طرح، مبلغ ۳۰۰ هزار تومان است و به اهدا کنندگان هزینه کامل ساخت یک خشت طلا (۳۰۰ هزار تومان) سند افتخار با نام خیر نیکوکار اهدا خواهد شد. خوشبختانه با مشارکت خوب مردم خراسان رضوی تاکنون هزینه ۸ هزار خشت طلا تأمین شده است. ارادتمندان برای مشارکت در این طرح و خرید هر خشت آسمانی می‌توانند نذور خود را به شماره حساب ۰۱۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک ملی ایران واریز نمایند. شماره تلفن ۰۵۱-۳۸۵۵۵۶۰۰ ستاد بازسازی عتبات خراسان رضوی هم پاسخگوی پرسش‌های افراد در این خصوص می‌باشد.

عزت خیابانی

عکس: فرامرز عامل بردبار

کلام آخر

ضمیمه هفتگی «سلام»، مجال کوتاهی است تا درباره عرض ارادت به ساحت قدس ائمه اطهار(ع) بویژه حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، گفت و گو کنیم.

این گفت و گو می‌طلبد تا مسیر دوسویه ای میان ما و مخاطبان شکل بگیرد. مسیری که افق‌های پیش رو را برای تهیه کنندگان این صفحات مختصر، روشن تر می‌کند.

سامانه پیامکی ۳۰۰۰۷۳۷۲۷۸ امکان ارتباطی است که می‌تواند زمینه گفت‌وگوی ما و شما باشد.

هر جریده ای پس از یک دوره انتشار مداوم نیازمند بررسی و بازنگری در شکل و شیوه ای که در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. سلام هم پس از ۴۵ شماره انتشار، خود را بی نیاز از اصلاح و بهبود نمی‌داند. بیان نقاط قوت و ضعف و تبیین کاستی‌ها و فزونی‌ها از سوی خوانندگان می‌تواند کمک مؤثری در انجام این مهم باشد.

مسابقه فرهنگی ضمیمه سلام، دو شماره است که منتشر نمی‌شود. این مسابقه که حاصل همکاری ضمیمه سلام و معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی بود، بزودی در شکلی تازه از سر گرفته خواهد شد.

سوالات، انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرهای شما درباره فعالیت‌های ذاتی آستان قدس رضوی در حرم مطهر، به همکاران صفحه آستان(صفحه ۳ روزنامه) منتقل خواهد شد. این دیدگاه‌ها در ستون صدای مردم آن صفحه منعکس شده و می‌شود.

در ضمیمه سلام از عکس‌ها، مطالب و دلنوشته‌ها استقبال می‌کنیم. «سلام» می‌تواند و باید جایی برای نمایش عشق‌ها و ارادت‌ها به ساحت قدس ائمه اطهار(ع) باشد. عکس‌های شما از حرم مطهر رضوی، اعتبار مقدسه ائمه معصومین(ع) و حرم‌های شریف امامزادگان با هر کیفیت و هنرمندی، منتشر خواهد شد.

راز کتیبه دستانت

این دست‌های نقره‌ای را سال‌هاست که می‌شناسم. وقتی آفتاب بلوغ به آسمان احساس می‌رسد، انگار هزار پری دریایی می‌آیند تا بوسه بر لطافت تو زنند.

عصاره بهشتی، که قد می‌کشی تا ارتفاع سیب و آواز آبی قناری. نذر می‌کنی تا پیشانی بلند مهربانی، این تشنگان کرامت را همراه باشی.

اینجا خدا تا رگبرگ‌های درختان هم قدم می‌زند، وقتی منبسط از سلام و صلوات، در عشق بیتوته می‌کنی و زیارتنامه می‌خوانی.

عموعزیز سال‌هاست به قصد زیارت، صلوات نذر کرده و پس از نماز به آقای خراسان، سلام داده است. او به وقت اذان، هزار مسجد را به کلمات مقدس فراخوانده تا

ضامن آهو، به دیدار عشق بخواندش. عمه طوبی، حالا اسپند می‌گرداند و چاووش خوان، محله را می‌گوید: مشهدی عزیز، زائر است، به بوسه‌ای زیارتش کنید. امروز کبوتران صف در صف، منتظران آسمان حریم عشقند که به صد آواز، پرواز را نیاز شوند.

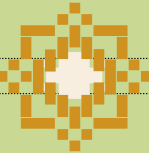
عموعزیز می‌گوید: نام تو را که می‌برم، دهانم شیرین می‌شود. یک عمر چشم به راه دیدنت بودم آقا جان!

حالا، باله شال سبزش را به اشک‌ها می‌کشد و دل به زیارت امین‌الله می‌سپارد. اسلام علیک که می‌گوید، برمی‌گردد تا بر داستان آن خادم بالابند هم بوسه زند. آخر این مرد شریف، قدرت پاهای نحیف اوست که عطشانی‌اش را چشمه شده و او را می‌برد

تا حقیقت معنویت؛ تا رضاع(ع). عمه طوبی، وقتی خداحافظی را تلاوت می‌کرد، بغض گلویش را ترکنده و رو به رفتن به مردش سفارش می‌کند: عزیز آقا! التماس دعا. این شیشه رو از آب سقاخونه پر کن. می‌خوام بدم به فاطمه زن عبدالله برای شفای پسرش، حسین.

سپس، عصای عموعزیز را زیر بغلش می‌زند و قرآن را به بازگشت و سلامتی همسفر سال‌های زندگی‌اش، قسم می‌دهد.

جماعت، مذاب در عظمتی بهشتی، بوی شکفتن می‌گیرد. ذکر گفته و تکیه بر شانه زلال استجابیت، دعای توسل می‌خواند. کسی از آن میان به چهل قنوت مؤمن می‌شود. آخر، دست‌های عموعزیز، مقدس از ضریح عشق، به خدا رسیده است.

داستان**بریل**

چهارشنبه‌ها، هفت صبح. می‌ایستادم کنار در آسایشگاه تا بیاید. تمام بازمانده من از شیرین‌ترین دوران زندگی‌ام. وقتی می‌دیدمش، زنده می‌شدم. با آنکه نمی‌دید، اما خیلی خوب حالم را می‌فهمید. با لبخند گفتی: امروز خدا را چطور دیدی؟

گفت: نه به زیبایی شما.

عصای سفیدش را روی زمین، دور پاهایش چرخاند و گفت: داخل همین دایره کوچک برای من، در آن بهتر می‌بینم، بقیه هم برای دیگر بنده‌های خدا.

خنده‌ام گرفت، در آغوش گرفتمش.

باز که عطر بهشتی‌ات را خرج امام کردی. صورت نورانی و جذابیت در هم رفت و به شوخی گفت: به مولایم حسودی نکنی‌ها.

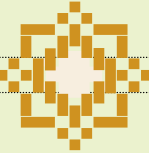
الله ارجمندی‌راد

حفظ است، اما این طور انگشتان هم فیض می‌برد. باز سرفه‌ها اذیتش می‌کند. می‌گوید یا عباس! و باز کمی آرام می‌گیرد، به دنبالش می‌دوم، اما او خیلی جلوتر است، تا زیارت، تا رسیدن.

امروز چهارشنبه است. هفت صبح و من تنهایم. تمام راه را از آسایشگاه جانبازان تا می‌بینمش؛ هنوز هم انگار ریه‌هایش سر ناسازگاری دارد، اما نه، انگار او واقعا نیست. دیگر یک سال می‌شود که نیست.

دو ساعتی راه بود تا حرم. آن قدر حرف‌ها و دنیایش زیبا بود که درازی راه را نمی‌فهمیدی. بوی حرم را که حس می‌کرد، به ادب می‌ایستاد و سر خم می‌کرد. اشک شوق می‌ریخت و اذن دخول می‌خواند. گاهی حس می‌کردم آن قدر در شلوغی و خاکستری شهر درگیرم که شور معنوی این مرد برایم تازگی دارد. از زیبایی ایمانش شرمنده می‌شدم.

زیارتنامه بریل حرم را دست می‌گیرد، می‌گوید،

عبدالله روا بروجی (چهارمعال و بختیاری)**از دفتر خیال****باران مهر**

لب به لب دل‌ها به شوقش دست‌بوس پا به پا در دام چشمانش به بند آبخاران در حضورش سربه‌زیر کوهساران از وجودش سر بلند

دشت‌ها از هرم نامش شعله‌ور شهرها محض رضایش در سفر از دل دل‌تنگ هرگز تا خزر از تن تبار کارون تا سهند

ای که بی‌تو روز تار و شب خموش خاک تشنه، ابرها آتش‌فروش شهر سرد و مردمانش ماردوش کوچه غمگین و خیابان دردمند

تا خراسان جلوه‌گاه عشق توست آسمان‌ها دور نامش در طواف تا تو ضامن می‌شوی با پای خود آهوان نوبت به نوبت در کمند

پنجه خورشید رخشان دست تو آه ای شش روز خلقت مست تو هستی هفت‌آسمان از هست تو شوق سر هشتن به خاکت تا به چند؟

ابرم و باران به باران اشک‌بار کوهم و دامن به دامن داغ‌دار مهربانی کن! دهخلم را بگیر بر ضریح نقره‌ای عشقت ببند